

بررسی فرایند گسترش تفکر انقلابی در شهرستان نطنز (۱۳۴۰-۱۳۵۷)

حسینعلی قربانی *

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۳/۰۲

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۰۵/۰۹

چکیده

در این پژوهش سعی شده است به نقش شهرستان نطنز در نهضت امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی پرداخته شود. نزدیکی این شهر به قم و کاشان، که اولی مرکز اصلی نهضت بود و دومی پایگاه برجسته‌ای به شمار می‌آمد بر اهمیت آن می‌افزاید. در این تحقیق با استفاده از نظریه ساختمان‌دایمی گیدنز سعی شده است وجوه ساختار و کنش در گرایش مردم نطنز به انقلاب اسلامی بررسی شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد ترکیبی از عوامل ساختاری اقتصادی (فقر نسبی و کمبود امکانات رفاهی)، فرهنگی (تبلیغ بهائیت و بی‌حجابی) و امنیتی (حضور گسترده عوامل ساواک) موجب نارضایتی مردم نطنز از حکومت پهلوی شده بود. از سوی دیگر نقش کارگزاری با حضور اقشار مختلف مردم به رهبری روحانیت در گسترش افکار انقلابی در این شهرستان اثر گذاز بود. فعالان انقلابی با همکاری و دعوت از انقلابیون معروف و برگزاری جلسات مخفیانه به رشد نهضت میان مردم یاری رساندند. برخی از آنان به انقلابیون دیگر شهرها نیز کمک می‌کردند به گونه‌ای که تأمین بخشی از سلاح‌های گرم انقلابیون کاشان از سوی مبارزان نطنزی صورت می‌گرفت. روش تحقیق توصیفی تحلیلی و با تکیه بر تاریخ شفاهی و اسناد است.

کلیدواژه‌ها: نطنز، فعالان انقلابی، انقلاب اسلامی.

مقدمه

انقلاب اسلامی چالش اساسی برای نظریه‌پردازان انقلاب ایجاد کرد؛ چرا که این انقلاب به شکل‌گیری هویت جمعی دینی در میان مردم و بروز آن در صورتبندی انقلاب اسلامی انجامید و آگاهانه در صدد ساخت جامعه و نظام سیاسی آینده خود با رهبری امام‌خمينی(ره) بود. با توجه به اینکه نظریه‌های رایج انقلاب بویژه نظریه ساختارگرایانه در دهه ۱۹۷۰ قرن بیستم میلادی از مقبولیت عامه نزد اندیشمندان برخوردار بود و بر نقش ساختارهای جامعه و سیطره آن بر کارگزاران تأکید می‌کرد، هیچ نقشی برای اراده انسانها در به وجود آوردن انقلاب قائل نبود (گلدستون، ۱۳۹۲: ۲۷). انقلاب اسلامی خدشه‌ای بر این نظریه بود. از این دید باید بررسی و تحلیل موشکافانه انقلاب را به درون جامعه مذهبی برد و چگونگی شکل‌گیری این هویت جمعی دینی را واکاوی کرد؛ به عبارت دیگر، لوازم ساختاری شرط لازم بود؛ اما هیچ‌گاه کافی نبود؛ بلکه شرط کافی انقلاب ایران، جنب و جوش و فعالیتهای آگاهانه مردم و اقشار مختلف بود. بدین منظور با بررسی یکی از مناطق شهری، شهرستان نطنز و چگونگی وقوع فرایند انقلاب اسلامی در آن، فرضیه مقاله به آزمون گذاشته می‌شود. این شهرستان از دیرباز هم به لحاظ موقعیت و مؤلفه‌های انسانی و هم به دلیل موقعیت جغرافیایی ممتازی که داشته از مناطق حساس و اثرگذار بوده است. بنابراین پرسش اصلی این است که چه عواملی به رشد مخالفت مردم با حکومت پهلوی یاری رساند و مردم نطنز چگونه در نهضت امام‌خمينی(ره) نقش ایفا کردند.

۱- روش پژوهش

یکی از منابع دسترسی به اطلاعات درباره حوادث و رخدادهای انقلاب، بهره‌گیری از دانسته‌های افراد آگاه و گاه بازیگران اصلی و فعال انقلابی در نطنز است. از این رو با استفاده از مصاحبه نگارنده با آنها اطلاعاتی که تاکنون در جایی مکتوب نشده بود به دست آمد و بعضاً با تطبیق برخی از آنها با اسناد ساواک بر علمیت آن افزوده شد. بنابراین رکن اصلی پژوهش بر پایه روایت شاهدان عینی از حوادث نطنز استوار است. نویسنده از انواع روش مصاحبه از مصاحبه بی‌ساختار بهره برده است. در این نوع مصاحبه یک پرسشنامه مفصل پاسخها را محدود نمی‌کند؛ اگر چه پژوهشگران ممکن است به موضوعات کلیدی خاصی توجه کنند، پاسخ‌دهنده را ترغیب می‌کنند تا عمیقاً درباره حیطه‌ها یا موضوعات مرتبطی بحث کنند که در مصاحبه‌نامه هم نیامده

است. این رویکرد بدین معناست که ترتیب و چگونگی پرسشگری در هر مصاحبه از یک پاسخگو تا پاسخگوی دیگر فرق کند. هدف مصاحبه‌های بی ساختار، فرصت دادن به افراد آگاه برای ارائه آزادانه عقاید، دانش و تجاربشان است. پژوهشگر باید پاسخ‌دهنده را ترغیب کند تا آنجا که ممکن است صادقانه و مفصل صحبت کند (توکلی، ۱۳۹۶: ۶۵).

در بخشهای نخستین تحقیق، عمده اتکای نگارنده بر روزنامه اطلاعات است؛ چرا که نویسنده، اسناد و نوشته مکتوب دیگری در این باره نیافت. در کنار دو منبع از اسناد و مدارک به منظور تکمیل روایتهای آگاهان محلی استفاده شده است. با وجود کمبود اسناد درباره این شهر، برخی سندهایی که نگارنده به آنها دست یافته است از اطلاعات درخور توجهی برخوردار بود. از این رو، روش تحقیق، توصیفی تحلیلی با تکیه بر تاریخ شفاهی است.

۲ - ملاحظات نظری، نظریه ساختمندشدن^۱ گیدنز

از نظریه ساختمندشدن آنتونی گیدنز برای در نظر گرفتن جایگاه ساختار و کنش در تحلیل گرایش مردم نطنز به انقلاب اسلامی بهره گرفته شده است. بر اساس دیدگاه گیدنز، کنش (عاملیت، کارگزار) و ساختار دوجبهی^۲ است؛ یعنی آنها را نمی‌توان از یکدیگر جدا کرد. عاملیت در ساختار نقش دارد و ساختار در عاملیت (ریتزر، ۱۳۸۲: ۳۰۵). گیدنز در مجموعه‌ای از کتابهایش بویژه در قواعد جدید روش جامعه‌شناسی (۱۹۷۶)، مسائل اصلی نظریه اجتماعی (۱۹۷۹) و ساخت جامعه، خطوط کلی نظریه ساختمندشدن (۱۹۸۴) مفهوم سازی‌ای از رابطه بین کنش و ساختار، کارگزار و نظام، فرد و جامعه ارائه می‌کند. وی در تعریف «نظریه ساختمندشدن» ضمن توضیحی درباره مفاهیم اصلی این نظریه (یعنی ساختار، سامانه و دوگانگی ساختار) آن را ساختاری روابط اجتماعی طی زمان و مکان در نتیجه دوگانگی ساختار می‌داند. وی درباره هدف خود در این باره می‌نویسد: «دغدغه اصلی من، پیوند فکر کنش انسانی با تبیین ساختاری در تحلیل اجتماعی است» (گیدنز، ۱۳۸۴: ۵۹).

از نظر گیدنز، کار اصلی نظریه اجتماعی درک این نکته است که هر کنش چگونه در بافت اعمال اجتماعی روزمره ساختار می‌یابد در حالی که در همان زمان عناصر ساختاری کنش، با کنش باز تولید می‌شود. بنابراین، گیدنز پیشنهاد می‌کند که دوگانگی کارگزار و ساختار را باید پاره‌های

1 - Structuration theory.

2 - Duality

مکمل یک دوگانگی باز شناخت: «منظور من از دوگانگی ساختار این است که ساختارهای اجتماعی هم به وسیله کارگزار انسانی شکل می‌گیرد و هم واسطه‌ای برای این شکل‌گیری است» (گیدنز، ۱۳۸۴: ۸۰). وی در ادامه در توضیح این مطلب می‌گوید: «هیچ کردار اجتماعی را نمی‌توان با تکیه بر قاعده‌ای منفرد یا منبعی خاص بیان کرد یا توضیح داد؛ بلکه کردارها در چارچوب مجموعه‌های متقاطع از قواعد و منابع قرار می‌گیرد که در نهایت گویای ویژگی‌های کلی است» (گیدنز، ۱۳۸۴: ۸۷)؛ به عبارت دیگر در نظریه ساختمان‌شدن انسانها همیشه و در همه جا عواملی آگاه در نظر گرفته شده‌اند؛ اگر چه در محدوده تاریخی مشخصی از شرایط ناشناخته و نتایج ناخواسته کنشهایشان عمل می‌کنند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۲۹۲). تفاوت نظریه ساختمان‌شدن با ساختارگرایی در این است که در ساختارگرایی، کنشگر فردی یا عوامل انسانی درون ساختار در شکل‌گیری، تعدیل یا تکمیل ساختار نقش چندانی ندارد و غالباً تحت تأثیر ناخودآگاه و ساختارها به الزام و تکالیف ساختاری خود عمل می‌کند، حال اینکه در نظریه ساختمان‌شدن گیدنز، عوامل انسانی هر چند در چارچوب ساختارها و تا اندازه‌ای تحت الزام قواعد ساختاری عمل می‌کند در تغییر، تکمیل و حتی ایجاد ساختارهای نو می‌تواند نقش داشته باشد. در واقع بر اساس این نظریه میان ساختارها و عوامل انسانی رابطه متقابل و دیالکتیکی برقرار است. به اعتقاد گیدنز ساختار و عاملیت در عملکرد جاری اجتماعی، هیچ‌گونه جدایی از هم ندارد و این دو در واقع دو بعد تفکیک‌ناپذیر واقعیت اجتماعی را تشکیل می‌دهد (گیدنز، ۱۳۷۱: ۲۵).

بنابراین گیدنز در تحولات سیاسی و اجتماعی، ارتباط دو سویه‌ای بین ساختار و کارگزار مطرح می‌کند که می‌تواند پدیده‌های سیاسی و اجتماعی را به نحو قابل تأملی تحلیل و تبیین کند؛ بدین اعتبار، هم اثرگذاری نخبگان انقلابی نطنز بر روند گرایش مردم این شهر به انقلاب و هم نقش ساختاری سلبی (اقتصادی، اجتماعی امنیتی حکومت پهلوی) و هم نقش ساختاری ایجابی (اماکن مذهبی) نطنز مدنظر است.

۳ - جغرافیای نطنز

نطنز از شهرستانهای استان اصفهان و در صد کیلومتری شمال خاوری این شهر و سر راه اصفهان و اردستان به کاشان واقع شده است (جعفری، ۱۳۸۹: ۱۱۷۸). این شهرستان با مساحتی بالغ بر ۳۳۹۷ کیلومتر مربع در موقعیت جغرافیایی ۵۱ درجه و ۵۴ دقیقه و ۳۰ ثانیه طول جغرافیایی، ۳۳ درجه و ۳۲ دقیقه و ۳۰ ثانیه عرض جغرافیایی قرار گرفته است (نراقی، ۱۳۴۸: ۳۸۷). نطنز از جنوب

به برخوار از مغرب به بخش میمه شهرستان برخوار و از شمال به کاشان و آران و بیدگل و از شرق به اردستان و کویر مرکزی ایران محدود است.

۴ - عوامل مؤثر در شکل‌گیری انقلاب اسلامی در نطنز

۱ - ۴ - عوامل سلبی ساختاری، اقتصادی

۱ - ۱ - ۴ - کمبود امکانات در نطنز

حاکمیت پهلوی بعد از برپایی انقلاب سفید، تبلیغات وسیعی به راه انداخت و طی آن ادعا کرد که برای رفع محرومیت از سراسر ایران تلاش کرده است؛ اما اسناد و شواهد نشان می‌دهد که آنها تنها در پایتخت و برخی از شهرهای بزرگ اقداماتی انجام داده، و مردم مناطق مختلف همچنان در فقر و فلاکت بودند و از کمبود امکانات رنج می‌کشیدند. این مسئله زمانی بغرنج‌تر می‌شود که به این نکته توجه شود بیشترین جمعیت ایران تا آغاز دهه ۱۳۴۰ در روستاها سکونت داشتند و جمعیت شهرنشین از جمعیت روستانشین کمتر بود و کمی امکانات در شهرها و روستاهای کوچک سبب مهاجرت به تهران و شهرهای بزرگتر شده بود. بنابراین در نطنز نبود امکانات رفاهی یکی از عوامل چندگانه‌ای بود که سبب نارضایتی و بیگانه شدن مردم این خطه با حاکمیت پهلوی می‌شد.

یکی از منابعی که از کمبود امکانات در نطنز، اخبار و مستنداتی ارائه کرده، روزنامه اطلاعات است. این روزنامه در صفحه اخبار شهرستانها، اخبار نطنز را نیز پوشش می‌داد. این روزنامه پس از تشکیل «هیئت‌های مشورتی روزنامه اطلاعات» در شهرهای مختلف ایران، خبرهای آن شهرها و مناطق مجاور آنها را دریافت می‌کرد. در نطنز و بادرود «هیئت‌های مشورتی روزنامه اطلاعات» به ترتیب در سالهای ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷ تشکیل شد (اطلاعات، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۴۶: ۱۱). در بادرود نطنز نیز هیئت‌های مشورتی با شرکت پنج نفر تشکیل شد (اطلاعات، ۱۸ تیر ۱۳۴۷: ۶).

۲ - ۱ - ۴ - مشکلات پزشکی - بهداشتی اهالی نطنز

یکی از مشکلاتی که مردم نطنز گریبانگیر آن بودند، کمبود امکانات پزشکی و بهداشتی بود. آنان از این موضوع بشدت گلایه‌مند بودند و به شیوه‌های مختلف خواستار افزایش امکانات رفاهی می‌شدند. از این رو عده‌ای از اهالی نطنز با مراجعه به دفتر نمایندگی روزنامه اطلاعات اظهار کردند: «با وجود پزشکان تحصیل کرده و کار آموزه در ایران، هم اکنون در نطنز طرز زایمان مانند یکصد سال پیش صورت می‌گیرد. چندی قبل قابله نطنز به یکی از شهرها انتقال یافت ولی

متأسفانه تاکنون از سوی مقامات مسئول نسبت به اعزام قابله دیگری به جای وی به عمل نیامده است» (اطلاعات، ۱۸ دی ۱۳۴۷: ۶). در بادرود نیز مردم منطقه با همین مشکل روبه‌رو بودند (اطلاعات، ۳ شهریور ۱۳۴۶: ۱۰). نبود امکانات رفاهی به همین موارد ختم نمی‌شد، بلکه به حیاتی‌ترین نیاز مردم، که همان آب آشامیدنی باشد، گسترش یافته بود. حاج سید عباس میرترابی در هیئت مشورتی روزنامه اطلاعات نطنز، ضرورت آسفالت خیابانها و لوله‌کشی آب نطنز و دشواریهای مردم در این زمینه را برشمرد (اطلاعات، ۲۸ شهریور ۱۳۴۶: ۱۱). مشکلات بهداشتی نطنز و توابع به حدی بود که حتی در یکی از جلسات حزب رستاخیز از بی‌توجهی اداره بهداشت نطنز نسبت به وضع درمانگاه کلهرود نطنز انتقاد، و از آنان خواسته شد تقاضای ساکنان این دهستان بزرگ به مسئولان محلی منعکس شود (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند شماره: ۰۰۰۶۶۲۴۱). درباره کمبود پزشک متخصص در شهرهای دور از مرکز کشور، نماینده نطنز در مجلس با لحنی اعتراضی سخن گفت و نابرابری را به چالش کشید (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۲۳، جلسه ۶).

۳- ۱- ۴- وضعیت دشوار اقتصادی و کمبود امکانات آموزشی

یکی دیگر از مسائلی که مردم نطنز را به ستوه آورده، گرانی اقلام مختلف بود؛ برای نمونه گرانی برق، موجب نارضایتی اهالی این شهر شده بود (اطلاعات، ۵ شهریور ۱۳۴۷). هیئت‌های مشورتی روزنامه اطلاعات، موارد دیگری از نارضایتی مردم بابت گرانی اقلام و اجناس مختلف ثبت و به روزنامه اطلاعات گزارش کردند؛ برای نمونه گرانی گوشت و اعتراض مردم به این وضعیت در این روزنامه بازتاب یافت (اطلاعات، ۵ شهریور ۱۳۴۷).

از دیگر مشکلات نطنزیان، مسائل مربوط به آموزش دختران نطنزی بود. دبیرستان دخترانه ایراندخت نطنز دوره دوم متوسطه نداشت و دخترانی که سیکل اول دبیرستان را پایان می‌رساندند ناچار بودند ترک تحصیل کنند و خانه‌نشین شوند (چهارشنبه ۲ بهمن ۱۳۴۷: ۶).

۴- ۱- ۴- نارضایتی اصناف و اقشار مختلف نطنز

یکی از نمونه‌های تمرد از دستور حکومت را می‌توان در اعتصابی که قصابان نطنزی به دلیل قیمت کم گوشت صورت دادند، مشاهده کرد (اطلاعات، ۱۹ اسفند ۱۳۴۲: ۹). بخش دیگر مشکلات این شهرستان را نماینده نطنز در مجلس شورای ملی به تصویر کشیده است. وی در این باره با اشاره به گذشته درخشان نطنز در حوزه کشاورزی و آبادانی بی‌نظیر و تنوع محصولات آن

درباره رکود و کاهش برداشت محصول و ایجاد مشکلات فراوان برای باغداران و کشاورزان هشدار داد. نماینده نطنز برای جلوگیری از نابودی کشاورزی نطنز از پرداخت نشدن وامهای طولانی مدت به زارعان نطنزی برای تعمیر و ایجاد و احداث قنوات جدید گلایه کرد. وی هم چنین به ضرورت امتداد جاده شوسه کاشان به نطنز و اردستان و ناین نیز اشاره کرد (صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۱۸، جلسه ۳).

یکی دیگر از موضوعاتی که اهالی نطنز را دچار مشکلات فراوانی کرده، وضعیت نابسامان ادارات دولتی این شهر بود. در این رابطه دو مسئله اساسی موجب رنجش مردم شده بود: یکی نبود دادگاه بخش و اداره ثبت در حوزه قضایی که مردم مجبور بودند برای کارهای مربوط به این حوزه به کاشان مراجعه کنند و دیگری ناقص بودن کادر ادارات نطنز بویژه اداره آمار بود به گونه ای که یک شخص برای گرفتن یک رونوشت از شناسنامه خود می بایست دو روز وقت صرف کند و مبلغی نیز هزینه متحمل شود؛ به اصفهان یا کاشان رفته، یکبرگ رونوشت شناسنامه بگیرد (اطلاعات، ۱۳ اسفند ۱۳۴۲: ۹).

۵ - ۱ - ۴ - ساختار فاسد اداری و تقلب در انتخابات مجالس نطنز

یکی از معضلات و مشکلات اساسی ساختار سیاسی حاکمیت پهلوی، وجود فساد در ارکان دولتی بود که تقلب انتخاباتی یکی از نمودهای چنین فساد ساختاری بود. در واقع بخشی از مشروع نبودن حاکمیت پهلوی از آغاز سلطنت رضاشاه تا پایان حاکمیت پهلوی دوم موضوع تقلب در حوزه های انتخاباتی بود. این روش در شهر نطنز نیز دیده می شد. در هر دوره از انتخابات نطنز شکایاتی به مجلس می رسید که مجلس شورا نیز آنها را رد می کرد و انتخابات را در آن ناحیه به تأیید می رساند. فراوانی این اعتراضات در دوره های مجالس نشاندهنده شائبه یا حداقل بخشی از واقعیت در مورد تقلب یا تخلفات انتخاباتی بود. تقلب انتخاباتی در نطنز چنان گسترده شده بود که حتی مجله شناخته شده آن دوران «نامه فرنگستان» نیز خبر چنین تقلباتی را انعکاس می داد و این قبیل کارها را یکی از علل عقب ماندگی برمی شمرد (نامه فرنگستان، اول سپتامبر ۱۹۳۴: ۲۱۹ - ۲۱۸). اسناد نیز نشاندهنده فراوانی تقلبات انتخاباتی در نطنز نسبت به دیگر مناطق است (اسنادی از انتخابات مجلس در دوره رضاشاه: ۱۷ - ۴۳). بر اساس گزارشهایی که از مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی به دست آمده بود، فرماندار نطنز در انتخابات آن منطقه اعمال نفوذ کرده است (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۲۰، جلسه ۱۶). افزون بر اینها اسنادی که منتشر شده

است، نشان می‌دهد که گزارشهای تقلبات انتخاباتی کشوری روزانه به شاه اطلاع داده می‌شد. حسین علاء در زمان تصدی وزارت دربار، این گزارشها را به شاه می‌رساند (رستم، ۱۳۷۶: ۱۷۰).

۲ - ۴ - عوامل ساختاری ایجابی انقلاب

اماکن مذهبی، از عوامل ایجابی و ساختاری انقلاب در نطنز بوده است. مهمترین پایگاه‌های انقلاب در نطنز را می‌توان شامل اماکن زیر دانست:

امامزاده سلطان سیدمحمد: در قسمتی از اراضی حاصلخیز و باغات جنوب شرقی سرشک، زیارتگاهی با حرم و ضریحی با شکوه و گنبدی مینایی وجود دارد که می‌گویند حضرت سلطان سید محمد یکی از نوادگان امام سجاد(ع) در این محل مدفون است. همواره مردم نطنز و نطنزی‌های مقیم دیگر شهرهای ایران در ماه‌های محرم و صفر به زیارت آن حرم مطهر می‌روند (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۸۶: ۹۱).

امامزاده‌های آقاعلی‌عباس و شاهزاده محمد: در شش کیلومتری شرق قریه «بادرود» واقع در شهرستان نطنز دو امامزاده به نامهای آقا علی‌عباس و شاهزاده محمد وجود دارد. این امامزادگان از گذشته مرجع مراجعه و زیارتگاه هزاران نفر از اهالی نطنز و قراء و بخشهای این شهرستان و شهرهای دیگر ایران بوده است. همزمان با فعالیتهایی که در نطنز صورت می‌گرفت، بخشی از فعالیتهای نیز در دیگر مناطق این شهرستان صورت می‌گرفت. امامزاده آقاعلی‌عباس یکی از مکانهایی بود که عمدتاً محلی برای تجمع انقلابیون و پخش اعلامیه‌های امام خمینی بود؛ برای نمونه در یک راهپیمایی و تجمع از نطنز به سوی امامزاده که برای پخش اعلامیه انجام شده بود با بازدید تعداد فراوانی از دانش‌آموزان و دانشجویان و انتقال آنها به اصفهان همراه بود (مصاحبه با عباس‌علی دشتله^۱، ۱۳۹۶، نوار اول؛ مصاحبه با علی مشربی بادی^۲، ۱۳۹۶).

حسینیه ارشاد علیا؛ مرکز فعالیت انقلابیون: حسینیه ارشاد علیای نطنز (علیای سابق) از مهمترین مراکز فعالیت مبارزان نطنزی بود. این حسینیه در مرکز شهر قرار داشت و موقعیت سوق‌الجیشی آن

۱ - عباس‌علی دشتله از فعالین انقلابی نطنز در دوران نهضت یک مرتبه دستگیر شد و بعد از پیروزی انقلاب ضمن اینکه با بسیج سپاه پاسداران همکاری داشت به عنوان یکی از نیروهای بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و مسئول آن سی و یک سال خدمت کرد. هنگام خدمت به منطقه جنگی رفت و در بازسازی مناطق سیل‌زده داراب شیراز نیز ۱۱ ماه حضور داشت. دشتله هم اکنون نیز با این نهادها همکاری دارد: بسیج، هلال احمر، کمیته امداد، بهزیستی، ستاد برگزاری نماز جمعه.

۲ - رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان نطنز

سبب مرکزیت آن در حوادث انقلاب شده بود. از آغاز فعالیتهای مخفی در نطنز تا پیروزی انقلاب اسلامی، این حسینیه از اصلی‌ترین مراکز تجمع مردم و حتی مسیر شروع راهپیمایی‌ها و تظاهرات مردم بوده است (مصاحبه با اکبر عبدالکریمی^۱، ۱۳۹۶: نوار اول).

مردم شهر نطنز به دلیل عشق و علاقه‌ای که به رهبران و گردانندگان انقلاب داشتند، بعد از مدتی نام حسینیه را به حسینیه ارشاد تغییر دادند که در آنجا بیشترین سخنرانیهای روشنگرانه علیه حاکمیت صورت می‌گرفت (مصاحبه با علی‌اکبر باباخانی، ۱۳۹۶: نوار اول).

مسجد سیدقاسم: این مسجد نیز در کنار حسینیه علیا، نقش مکمل فعالیتهای انقلابیون را ایفا می‌کرد که به وسیله حاج جواد رزاقی اداره می‌شد و در مرکز نطنز «خیابان امام خمینی فعلی» واقع شده بود. حاج آقای فجرى یکی از روحانیونی که از خارج از نطنز برای سخنرانی دعوت شده بود، کلاسهای تدریس قرآن و در لوای آن فعالیتهای انقلابی و سخنرانیها را در این مسجد برگزار می‌کرد. بخشی از مبارزان و فعالان انقلابی از جمله برادران سالکی در این پایگاه فعالیت می‌کردند. هم حاج جواد رزاقی و هم حاج آقای فجرى و دیگر انقلابیون همچون برادران سالکی از این مرکز با شهر کاشان در ارتباط بودند. رابطه این افراد بیشتر با کاشان و قم بود (مصاحبه با محمدرضا سالکی^۲، ۱۳۹۶: نوار اول).

مساجد توابع نطنز نیز نقش بارزی در مبارزات مردمی ایفا می‌کردند و کانون فعالیتهای به شمار می‌رفتند. در یکی از اسناد ساواک درباره مسجد روستای اوره چنین آمده است: «ساعت ۱۰ در روستای اوره از توابع نطنز تعدادی اعلامیه در روی سکوی درب مسجد گذاشته شده بود. اعلامیه‌های مزبور مربوط به تعطیل عمومی در روز ۳۷/۳/۲۷ بود...» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک اصفهان، کتاب دوم، ۱۳۸۳: ۴۰۲).

۳ - ۴ - عوامل ایجابی کنش

اقشار مختلف مردم نطنز در روند مبارزات، نقش ایجابی در شکل‌گیری انقلاب در این شهر داشته‌اند که در رابطه با هر یک، توضیحاتی می‌آید:

۱ - خانواده عبدالکریمی یکی از پایه‌های استوار و از خانواده‌های انقلابی نطنز بودند. حاج نصرالله عبدالکریمی به همراه علی عبدالکریمی (نماینده مردم نطنز در دوره سوم مجلس شورای اسلامی) و اکبر عبدالکریمی از آغاز نهضت اسلامی در سال ۱۳۴۲ فعالیت خود را آغاز کردند.

۲ - برادران سالکی (علی و محمدرضا) نیز همانند برادران عبدالکریمی از مهمترین خانواده‌های انقلابی نطنز بودند.

۱ - ۳ - ۴ - روحانیون

هر چند در شکل‌گیری فرهنگ عمومی، علل و عوامل گوناگونی تأثیرگذار است در جوامع مذهبی بویژه اسلامی و شیعی بیشترین تأثیرگذاری از آن رهبران مذهبی بویژه واعظ و خطبا است. در طول سال، ماه‌های محرم و صفر، ماه مبارک رمضان، جلسات دعا و توسل، مراسم عقد و عروسی، مجالس ترحیم و تذکر و به طور کلی در غم و شادی، واعظان و خطیبان حضور و نقش تعیین‌کننده‌ای در جامعه دارند و همین است که آنها را همیشه در معرض آزار و آسیب‌رسانی حکومت‌های مستبد قرار داده است. در نطنز قشر روحانی به آن کیفیتی که در ناین برای انقلاب زحمت می‌کشیدند و فعالیت می‌کردند، حضور نداشتند. در عوض بخشی از این قشر به دربار متصل بودند که عموماً از این افراد با عنوان روحانیون درباری و مقدس مآبها یاد می‌شود. موضوع مقدس مآبها و رفتار و حرکات آنان در حوزه همواره فکر امام را به خود مشغول می‌ساخت و ایشان تا پایان عمر از این آفت رنجور و نگران بودند و هنگام درس «ولایت فقیه» بار دیگر به ماجرای مهمی در دوران آیت‌الله بروجردی اشاره می‌کردند و این در حالی بود که مقدس مآبها در نجف بیش از قم حضور داشتند. امام به جلسه‌ای با آیات بروجردی، صدر و حجت اشاره می‌کند که در آن به ضرورت برخورد با آنان توجه می‌دهد (صحیفه امام، ۱۳۸۵: ۱۴۴).

در نطنز نیز یکی از مشکلاتی که انقلابیون و مبارزان نهضت با آن روبه‌رو بودند، مسئله برخی روحانیونی بود که در جدال میان انقلابیون و رژیم از حکومت پهلوی حمایت می‌کردند. حاج اکبر عبدالکریمی این موضوع را چنین بیان می‌کند: «البته یک مشکلی که ما داشتیم اینجا بحث روحانیت بود که یکی دو تا بودند که وابسته بودند. در مراسم‌های آنها شرکت می‌کردند. خوب مردم کمتر به آنها تمایل داشتند» (مصاحبه با عبدالکریمی، ۱۳۹۶: نوار اول). عبدالکریمی در ادامه می‌گوید که انقلابیون نطنز برای حل این معضل، مجبور بودند از دیگر شهرها بویژه کاشان و قم، روحانیونی را برای سخنرانی و روشنگری مردم به این شهر دعوت کنند (مصاحبه با عبدالکریمی، ۱۳۹۶: نوار اول).

یکی از روحانیون مدعو به نطنز، حاج آقای فجری بود. ایشان با تشکیل کلاسهای تدریس قرآن و معارف اسلامی، آخرین اخبار امام و انقلاب را در اختیار مردم نطنز قرار می‌داد. محمدرضا سالکی درباره فعالیتهای حاج آقای فجری می‌گوید: «حاج آقای فجری هر هفته که می‌آمد در نطنز در یک مکانی مستقر می‌شد. بیشتر پایگاهش در مسجد حاج سید قاسم بود که در همین مرکز نطنز

خیابان امام بود. از سالهای ۱۳۵۵ - ۱۳۵۶ آقای فجری این فعالیتها را داشت؛ اما شدتش از سال بعد شروع شد. چند مرتبه هم ژاندارمری وقت ایشان را گرفتند» (مصاحبه با محمدرضا سالکی، ۱۳۹۶: نوار اول).

مهمترین شخصیت روحانی که در نطنز فعالیتهای انقلابی انجام می‌داد، سید محسن طباطبایی بود. علی سالکی او را در زمره افراد پر جنب و جوش و شجاع نام می‌برد (مصاحبه با علی سالکی، ۱۳۹۶: نوار اول). گزارشهای ساواک نیز نام سید محسن طباطبایی دیده می‌شود. در یکی از این گزارشها از طلبه‌هایی نام برده شده که در جلسه‌ای بشدت از گسترش فعالیتهای انقلابی صحبت می‌کنند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، کتاب نوزدهم، ۱۳۸۴: ۲۶). دیگر روحانیون همچون آقای ناطق خراسانی و محلاتی نیز در آگاهی‌بخشی به مردم نطنز و افشای ماهیت رژیم پهلوی نقش داشتند (مصاحبه با علی سالکی، ۱۳۹۶: نوار اول). افزون بر روحانیون و طلبه‌های محلی فعال، که در نطنز حضوری چند ماهه و طولانی مدت داشتند، برخی از روحانیون و علمای سرشناس نیز با حضور و سخنرانی در این شهرستان موجب دلگرمی و قوت قلب مبارزان نطنزی بودند؛ از جمله این افراد می‌توان به آقای قرائتی، آیت‌الله خاتمی، حائری، عبدالنبی نمازی، سید صادق طباطبایی محلاتی و ناطق خراسانی و یتربی اشاره کرد (مصاحبه با علی سالکی، ۱۳۹۶: نوار اول).

روحانیون از طریق ژاندارمری مستقر در شهرستان کنترل می‌شدند و با این حال مخفیانه به شهرستان می‌آمدند و در حسینیه مراسم می‌گرفتند و مردم مخصوصاً جوانها و نوجوانها از مستمعین پرشور این مراسم بودند (مصاحبه با علی‌اکبر باباخانی، ۱۳۹۶). مهمترین مسائلی که از سوی روحانیت مطرح می‌شد، موضوع ظلم و ستم حکومت شاهنشاهی، آزادی‌خواهی و حریت با تکیه بر داستان شهادت امام حسین(ع) بود (مصاحبه با علی‌اکبر باباخانی، ۱۳۹۶). طلاب نیز در کنار روحانیون و علما از طریق پخش اعلامیه و فعالیتهای خیابانی در گسترش نهضت در نطنز نقش داشتند. در یکی از گزارشهای ساواک از فعالیت دو طلبه در نطنز هنگام پخش اعلامیه گزارش شده است: «گزارش گروهان نطنز مستند به اعلام پاسگاه مرکزی حاکی است در ساعت ۱۷ مورخه ۱۳۳۷/۵/۳۱ به پاسگاه مرکزی اطلاع می‌رسد که دو نفر آخوند با یک دستگاه اتومبیل داتسون آبی رنگ در شهر نطنز و محل افرشته مشغول پخش اعلامیه می‌باشند. گروهان بلافاصله مأمور کافی جهت دستگیری ایشان اعزام، لکن هیچ‌گونه آثار از دو نفر به دست نیامده» (انقلاب اسلامی به

روایت اسناد ساواک استان اصفهان، کتاب سوم، ۱۳۸۳: ۳۸۷). در باارود نیز همین سنت دعوت از طلاب و روحانیون به مانند نطنز وجود داشت و اهالی باارود با دعوت از طلاب انقلابی شور و اشتیاق فراوانی در میان مردم ایجاد کرده بودند. یکی از اسناد ساواک شرحی دارد که از دعوت محسن شفیعی از طلبه‌های قمی برای حضور و سخنرانی در مسجد خرم این منطقه حکایت می‌کند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک استان اصفهان، کتاب سوم، ۱۳۸۳: ۵۲۹).

۲ - ۳ - ۴ - دانش‌آموزان و معلمان نطنزی

در بیشتر جریانهای انقلابی دنیا نوجوانان و جوانان، سربازان اصلی صحنه مبارزه بوده‌اند. نمونه بارز آن حضور نوجوانان و جوانان در زمان بعثت و گرایش شخصیت‌هایی مانند حضرت علی (ع)، مصعب بن عمیر و... به آیین اسلام بود (عباس زادگان، ۱۳۷۱: ۱۳). با شروع نهضت مشروطه، دانش‌آموزان دارالفنون حضور فعال و گسترده‌ای در حرکت‌های مردمی ایفا کردند. ظلم‌ستیزی و آرمانخواهی دانش‌آموزان در دوران پهلوی اول و دوم نیز ادامه یافت. با روی کار آمدن محمدرضا شاه و اوج گرفتن غربگرایی در ایران و رواج آن در مدارس، نسلی از دانش‌آموزان مذهبی شکل گرفتند و به ترویج افکار اسلامی پرداختند. این حضور پررنگ نتیجه اقدامات فکری و فرهنگی‌ای بود که از سوی دلسوزان و متولیان فرهنگ دینی انجام گرفت (ناظم، ۱۳۸۲: ۸۹). معلمان، بخشی از فعالیتهای را در مدارس انجام می‌دادند. برخی از معلمان مدارس نطنز بشدت درگیر مبارزه با حکومت شاه بودند و دانش‌آموزان را به فعالیت علیه شاه ترغیب می‌کردند. حسن رضائیان یکی از فعالترین این معلمان بود که در بیشتر خاطرات راویان حوادث نطنز در انقلاب اسلامی حضور پررنگ دارد. عده‌ای از دانش‌آموزان از مناطق و روستاهای نطنز به این شهر می‌آمدند و فعالیتهای انقلابی را در مدارس پیگیری می‌کردند. حاج آقا مؤمنی جانباز دفاع مقدس یکی از این افراد بود که خاطرات زیادی از آن دوران دارد. وی به نقش دبیرستان سپهر (امام خمینی فعلی) تأکید دارد؛ دانش‌آموزانی که تظاهرات را انجام می‌دادند و بعدها در جنگ نیز به جبهه رفتند و برخی شهید شدند (محمدعلی مؤمنی، ۱۳۹۶، نوار اول).

محمدرضا سالکی درباره نقش آقای حسن رضائیان در مسلح کردن دانش‌آموزان می‌گوید: «اسفند ماه ۵۶ معلمی داشتیم در دبیرستان به نام آقای رضائیان که بچه قم بود و در نطنز تبعیدش را می‌گذراند. ایشان علناً آمد ما را در دبیرستان مسلح کرد. سال ۵۶ واقعاً سخت بود؛ نمی‌شد هیچ حرفی زد و نام امام را برد؛ ولی ایشان می‌گفت مبارزه کنید؛ می‌گفت عکسی که بالای دیوار

[تصویر شاه] است را باید پایین بیاورید. در مدرسه هم فعالیت سیاسی را انجام می‌داد. ایشان در مدرسه‌ای تبعید بود که پنج نفر از دبیرانش نیروی ساواک بودند و ایشان هیچ ترسی نداشت» (مصاحبه با محمدرضا سالکی، ۱۳۹۶: نوار دوم).

کتابهای دکتر شریعتی و شهید مطهری در آگاهی بخشی به نسل جوان و نوجوان نطنز نقش بسزایی داشتند و در اختیار داشتن چنین کتابهایی مخاطرات فراوانی داشت (مصاحبه با علی اکبر باباخانی، ۱۳۹۶: نوار اول).

دبیرستان سپهر و دانشکده نطنز مهمترین مرکز فعالیت دانشجویی و دانش آموزی بود. یکی از فعالان انقلابی با اشاره به نقش اصناف مختلف، معتقد است بیشترین فعالیت و مرکز همه آنها این دو حوزه بود (محمدرضا سالکی، ۱۳۹۶: نوار دوم).

در اسناد ساواک نیز از فعالیتهای دانشجویی در نطنز گزارشهایی ثبت شده است. در یکی از این گزارشها آمده است: «روز جمعه هنگامی که برای گردش دسته جمعی دانشجویان اردوی عمران ملی نطنز به یکی از روستاها رفته بودند، دانشجویی به نام حسین عبدالله پور یک اعلامیه و دو نوار از سخنرانی خمینی ارائه کرد و اظهار داشت آنها را از آقای علوی طلبه قم و اهل نطنز دریافت داشته است. آقای علوی نیز هر روز سری به اردو می‌زد و با دانشجویان بحث سیاسی داشت» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک اصفهان، کتاب دوم، ۱۳۸۳: ۴۸۷). دانشجویان نطنزی دانشگاه‌های تهران نیز مکرر با مراجعه به نطنز در پرشورتر کردن تظاهرات و فعالیتهای علیه رژیم نقش ویژه‌ای داشتند. این دانشجویان با ابتکارهای خود سهم مهمی در گسترش نهضت امام خمینی داشتند. نمونه‌ای از این فعالیتهای در گزارش ساواک بازتاب یافته است (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک اصفهان، کتاب سوم، ۱۳۸۳: ۴۹۴).

۳- ۳- ۴- زنان نطنزی و دیگر اقشار

زنان نقش پررنگی در حوادث انقلاب نطنز ایفا کردند. آنان همپای مردان به مبارزه با رژیم برخاستند. در واقع بخشی از فعالیتهای کلی مبارزه با رژیم از سوی زنان صورت می‌گرفت. یکی از فعالان انقلابی با اشاره به برخی فعالیتهای آنها چنین می‌گوید: «خانم‌ها حضور و فعالیتهای مشهود بود؛ چون آنها راحت تر بودند؛ چادر سرشان بود؛ شناسایشان کمتر ممکن بود. ما هم از آنها در پخش اطلاعیه و اعلامیه استفاده می‌کردیم. جاهایی که نیاز بود اعلامیه به خانم‌ها می‌دادیم و اینها می‌رفتند و توزیع می‌کردند؛ حتی تا امامزاده آقا علی عباس در بادرود می‌بردند و دسته دسته در

گوشه‌های امامزاده اعلامیه می‌گذاشتند و در تظاهرات فعالیت‌هایشان مشهود بود» (مصاحبه با اکبر عبدالکریمی، ۱۳۹۶: نوار دوم). زنان با آشنایی با مبانی اندیشه‌های انقلاب در دانشگاه‌ها و انتقال آن به دانش‌آموزان در پیشبرد نهضت در نظرتز سهم بسزایی داشتند (مصاحبه با پروین باباخانی، ۱۳۹۶: نوار اول).

افزون بر اینها، باید به افرادی اشاره کرد که صادقانه در خدمت اهداف مبارزه بودند؛ از جمله این افراد حاج جواد رزاقی بود که نقش پررنگی در روند حوادث انقلاب در نظرتز داشت (محمدرضا سالکی ۱۳۹۶: نوار دوم).

افزون بر فعالیت‌های قشرهای مختلف فرهنگی، نهضت امام خمینی (ره) به درون خانواده‌های غیر انقلابی نیز رخنه کرده بود. گزارش ساواک از صحبت‌های یک سپاهی ترویج مؤید این موضوع است: «آقای ابوالفضل هاشمی سپاهی ترویج، مأمور خدمت در اداره کشاورزی نظرتز در منزلش در یک صحبت خصوصی تعدادی کتاب و نوار خمینی و شریعتمداری که جمع‌آوری نموده بود ارائه نمود و گفت: این را برادرم از اصفهان برایم آورده است و ضمن بحث و صحبت که می‌نمود خود را یک نفر فعال نشان می‌داد» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک اصفهان، کتاب دوم، ۱۳۸۳: ۴۹۹).

۵ - فرآیند انقلاب اسلامی در نظرتز

۱ - ۵ - هسته اولیه نهضت و مبارزان انقلابی در نظرتز

پیش از اشاره به هسته اولیه نهضت و مبارزه در نظرتز می‌باید به نخستین تحرکات جسته و گریخته در این شهر اشاره شود. حرکت‌های انقلابی در نظرتز به اواخر دهه ۱۳۴۰ باز می‌گردد؛ زمانی که امام خمینی (ره) در نجف اشرف بودند از نظرتز عده‌ای از هواداران ایشان همچون علی سالکی به قم می‌رفتند و از آنجا با آوردن مخفیانه اعلامیه‌های امام به نظرتز و دیگر شهرها، اطلاع‌رسانی می‌کردند (مصاحبه با علی سالکی، ۱۳۹۶: نوار اول). برادران عبدالکریمی و حجت‌الاسلام سید محسن طباطبایی و ده‌ها نفر دیگر در سال ۱۳۵۵ نخستین هسته مبارزه انقلابی را در محلی به نام ته نبی که مجالس مذهبی در آنجا برگزار می‌شد، تشکیل دادند (مصاحبه با اکبر عبدالکریمی، ۱۳۹۶: نوار اول).

۲ - ۵ - دسترسی به سلاح گرم و تأمین اسلحه انقلابیون نظرتز و کاشان

مبارزان نظرتزی و در رأس آنها برادران عبدالکریمی، دسترسی به سلاح‌های گرم داشتند و با

فعالیت و اقدامات فراوانی که در این زمینه انجام می‌دادند، افزون بر اینکه در مقطع نزدیک به پیروزی انقلاب، سلاحهای مبارزان انقلابی در نطنز را فراهم کردند، پیش از آن نیز با فرستادن سلاحهای عمده به کاشان توانستند نقش مؤثری در میان انقلابیون کاشان نیز ایفا کنند. اکبر عبدالکریمی در این باره می‌گوید: «نخستین جلسه‌ای که اینجا همراه و به کمک اخوی داشتیم به یک سری مهمات دسترسی پیدا کردیم. خودم تهیه می‌کردم. امکانات تراشکاری بود؛ سه راهی نارنجک توسط اخوی می‌فرستادیم کاشان استفاده می‌کردند؛ چون آنجا کماندو از تهران می‌فرستادند درگیری بیشتر بود. ایشان یکسری به جزیره قشم رفتند و یکسری کلاش و کلت آوردند و توزیع کردیم. نهایتاً تا پیروزی انقلاب تأمین اسلحه ادامه داشت. اخوی ما نیز چند مرحله در درگیریها تا شهادتش پیش رفت» (مصاحبه با اکبر عبدالکریمی). نقش برادران عبدالکریمی در تهیه مهمات و تأمین اسلحه مبارزان انقلابی از سوی دیگر فعالان انقلابی در نطنز نیز تأیید شده است (مصاحبه با محمدرضا سالکی).

۳ - ۵ - بازتاب کشتار ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ در نطنز

اخبار قیام ۱۹ دی مردم قم و در پی آن در تبریز به نطنز رسید؛ اما حرکت سازماندهی شده‌ای انجام نگرفت (مصاحبه با اکبر عبدالکریمی) کشتار ۱۷ شهریور تهران، خشم و نفرت و کینه عمومی از حکومت پهلوی را شدیدتر کرد و از این زمان بود که دوران رویارویی تمام عیار بین مردم و شاه آغاز شد (عزیزی، ۱۳۸۶: ۷۳).

بعد از اعلام حکومت نظامی در شهرهای مهم کشور، مردم نطنز نیز همانند دیگر شهرها وقتی از فاجعه ۱۷ شهریور میدان ژاله تهران آگاه شدند با تشکیل جلسه‌ای در حسینیه ارشاد علیا مقدمات برگزاری برنامه بزرگداشت شهدای این واقعه را طرح‌ریزی کردند و به اجرا درآوردند و با مداخله ژاندارمری مردم متفرق شدند (مصاحبه با اکبر عبدالکریمی).

۴ - ۵ - توزیع اعلامیه، شعارنویسی و شروع تظاهراتها در نطنز

در مرداد ۱۳۵۷ فعالیتهای چنده نفره در نطنز و روستاهای اطراف آن به اوج خود رسید؛ چنانکه در بیشترین گزارشهای ساواک در این باره مربوط به همین ماه است. توزیع اعلامیه و شعارنویسی مهمترین اقدامات مبارزین انقلابی بود. دانشجویان و طلبه‌ها دو قشری بودند که در این زمینه بیشترین نقش آفرینی را داشتند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک اصفهان... کتاب سوم، ۱۳۸۳: ۵۵). در روستای اوره، که یک روستای گردشگری است نیز همانند نطنز جریان داشت. در

این روستا عمدتاً طلابی که از قم می‌آمدند، فعالیتها را سازماندهی می‌کردند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک اصفهان... کتاب سوم، ۱۳۸۳: ۱۱). بر اساس مجموع روایتها این گونه برداشت می‌شود که علنی شدن فعالیتهای مبارزان و اوج گرفتن آن در نطنز از مهر ۱۳۵۷ آغاز شد. مبارزه ابتدا از جمع‌های دانش‌آموزی و دانشجویی شروع شد و به قدری فشار بر آنها زیاد بود که فرصت علنی کردن آن را پیدا نکرده بودند و مأموران حکومتی برای جلوگیری از کشیده شدن اعتراضات آنها به خیابانها متوسل به زور می‌شدند؛ با این همه با فرارسیدن مهرماه، دیگر اقشار و طبقات اجتماعی نطنز نیز به اعتراضات دانش‌آموزی و دانشجویی پیوستند.

سازماندهی این تظاهرات را عمدتاً برادران سالکی و برادران عبدالکریمی و برخی دیگر بر عهده داشتند. محمد رضا سالکی در این باره می‌گوید: «در نطنز سازماندهی با حاج اکبر عبدالکریمی برادرش علی و برادر من حاج علی سالکی بود. برادرم یک ماشین داشت که آن را هم شناسایی کردند و بعد آمدند در خانه و به برادرم گفتند حواست را جمع کن که این چند روزه هم تمام می‌شود و حالا ماشین می‌بری بلندگو می‌بندی. ولی ایشان زیر بار این حرفها نمی‌رفت. شکل‌گیری تظاهرات را از ابتدای حسینیه مرکز شهر شروع می‌کردیم و انتهایش می‌آمدیم تا فلکه امام که ما اون روز بهش می‌گفتیم فلکه دوم. اینجا تمام می‌شد. در واقع راهپیمایی‌ها شروعش از حسینیه ارشاد بود. بعد مقداری راه را طولانی‌تر کردیم. دو مرتبه هم تا سرشک رفتیم» (مصاحبه با محمدرضا سالکی).

اسناد ساواک از حضور مردم نطنز در خیابانها از آبان ماه ۱۳۵۷ تا پیروزی انقلاب حکایت دارد. در تظاهرات روز ۱۳۵۷/۸/۱۰ که دو هزار دختر دانش‌آموز بهبهانی روزه سیاسی گرفتند و اجتماعات بزرگی در سراسر کشور برگزار شد در نطنز نیز تظاهرات وسیعی صورت گرفت (حسینیان، ۱۳۸۵: ۴۶۸). این راهپیماییها هم‌چنین طی روزهای آینده ادامه داشت تا اینکه در ۱۸ آبان مردم نطنز تا امامزاده آقا علی‌عباس راهپیمایی کردند (حسینیان، ۱۳۸۵: ۴۳۸).

بزرگترین راهپیمایی که در نطنز صورت گرفت در ایام محرم و مناسبتهای مذهبی تاسوعا و عاشورا بود. در عاشورای آن سال سخنرانیهای کوبنده و پرشوری از سوی مبارزان انقلابی صورت گرفت. یکی از این سخنرانیها را علی عبدالکریمی انجام داد که با واکنش مأموران امنیتی روبه‌رو شد (مصاحبه با اکبر عبدالکریمی). عبدالکریمی هم‌چنین به این موضوع اشاره می‌کند که در نطنز بیشتر از امکانات اطلاع‌رسانی کاشان و قم برای پخش اخبار تهران استفاده می‌شد. هم‌چنین خود

آقای عبدالکریمی در متن تحولات و حوادث کاشان و تهران قرار داشت و در تظاهراتها شرکت می کرد. ایشان در جریان تحصن دانشگاهیان در تهران بود و اطلاعات را از انقلابیون می گرفت و به اطلاع نطنزیان می رساند. پس از آن یک مرتبه دستگیر شد و بعد از آن یک بار هم در حوادث کاشان بعد از اینکه برای اهدای خون به بیمارستان رفته بود با هجوم مأموران شهربانی روبه‌رو می شود؛ اما موفق به فرار می شود. وی هم‌چنین در عاشورای سال ۱۳۵۷ در حسینیه علیای نطنز سخنرانی کرد (مصاحبه با اکبر عبدالکریمی) این روایت را اسناد ساواک نیز تأیید می کند. در گزارش محرمانه ساواک در این باره آمده است: «خبر رسیده گویاست: روز ۵۷/۹/۲۰ (روز عاشورا) هیئت کوی علیای نطنز وارد حسینیه مرکز شهرستان نطنز شده و مبادرت به دادن شعارهای ضد ملی و میهنی نموده‌اند و دو نفر به نامان حسین غفاری کارمند دادگستری نطنز فرزند حاجی محمدحسن غفاری و علی عبدالکریمی کارمند پست و تلگراف و تلفن کاشان فرزند نصرالله عبدالکریمی در حسینیه فوق پشت تریبون قرار گرفته ضمن قرائت متن اعلامیه خمینی، مردم را به تظاهرات دعوت نموده‌اند» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، کتاب نوزدهم، ۱۳۸۴: ۴۴۷).

راهپیماییهای تاسوعا و عاشورا در نطنز پرجمعیت‌ترین راهپیمایی کل تظاهراتهای پیش از انقلاب این شهر بوده است؛ چرا که برای شرکت در این مراسم مذهبی - سیاسی نطنزیها از دیگر مناطق نیز خود را به این شهر رسانده بودند. محمدرضا سالکی راهپیمایی دو روز تاسوعا و عاشورا را بی سابقه توصیف می کند و از حضور نطنزی‌های مقیم تهران و شهرستانها در این مراسم یاد می کند. وی هم‌چنین به حضور برخی وابستگان حکومت که تا پیش از آن در برابر نیروهای انقلابی بودند در این آیین دینی اشاره می کند (مصاحبه با محمدرضا سالکی).

آیین‌های دینی که رنگ سیاسی به خود گرفته بود در مناطق روستایی نطنز نیز جریان داشت. بر اساس یکی از گزارشهای ساواک در مراسم نماز عید فطر روستای اوره شعارهای ضد ملی سر داده شد (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک اصفهان، کتاب سوم، ۱۳۸۳: ۴۸۲). آنچه از این گزارش دریافت می شود، غیر از خود نطنز و روستای اوره در دیگر مناطق روستایی نطنز نیز فعالیتها کم و بیش وجود داشته است اما به گستردگی نطنز نبوده است.

۴ - ۴ - عوامل نقش کنش سلبی

ساواک نطنز: سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) در واقع محصول کودتای امریکایی ۲۸ مرداد علیه دولت مصدق بود. این سازمان در سال ۱۳۳۵ در فرمانداری نظامی تهران تشکیل شد و

پس از تصویب قانون تشکیل آن در همین سال در مجلس سنا و سپس مجلس شورای ملی از اوایل سال ۱۳۳۶ رسماً فعالیت خود را آغاز کرد (نجاری راد، ۱۳۷۸: ۲۲۲).

یکی از معضلات و مشکلات عمده انقلابیون نطنز، وجود نیروهای ساواک و فعالیت گسترده آنان بود. با وجود اینکه ساواک در این شهر دفتر و ساختمان نداشت در تمامی ارکان دولتی این شهر نفوذ کرده بود و در هر بخشی نماینده‌ای داشت. بخشی از فعالیتهای آنان به تربیت نیرو در آموزش و پرورش نطنز اختصاص یافته بود تا از این طریق برای جاسوسی از معلمان و دانش‌آموزان نطنزی بهره‌برداری کنند. یکی دیگر از کارهای ساواک نطنز، جلوگیری از رشد و پیشرفت دانش‌آموزان مذهبی بود. بسیاری از ساواکیها در آموزش و پرورش نطنز رخنه کرده بودند و با شناسایی خانواده‌های مذهبی و فرزندانشان در مدارس به هر نحوی کوشش می‌کردند که این افراد از تحصیل باز بمانند و یا در کار آموزش آنان اختلال ایجاد می‌نمودند. تخصص خوب افراد ساواکی در نطنز سبب شده بود که از آنها برای ساواک دیگر شهرها و حتی تهران نیز استفاده شود. بنابراین از نطنز تعداد زیادی ساواکی به دیگر شهرها رفتند که بعد از انقلاب دوباره به نطنز بازگشتند؛ حتی یکی از افرادی که برای دستگیری امام در سال ۱۳۴۳ به قم رفت، نطنزی بود (مصاحبه با محمدرضا سالکی).

محمدرضا سالکی بر این اعتقاد است که بیشتر سرمایه‌گذاری ساواک در نطنز در آموزش و پرورش بود و از این طریق توانسته بودند چند نفر دبیر را به استخدام خود در آورند که خیلی هم فعال بودند؛ حتی تا یک سال بعد از پیروزی انقلاب هم فعالیت و اقدام ضد انقلابی داشتند. بنابراین جو مدارس نطنز برای انقلابیون بسیار امنیتی بود (مصاحبه با محمدرضا سالکی). کار فرهنگی که نیروهای ساواکی و امنیتی در نطنز انجام می‌دادند نیز برجسته بود. به باور سالکی ساواک نطنز با شناسایی خانواده‌های مذهبی و معتقد نطنزی، مانع رشد فرزندان آنها در مدارس می‌شد و تمام تلاشش این بود که فرزندان این خانواده‌ها در تحصیل با مشکل روبه‌رو شوند و فرزندان خانواده‌های وابسته به حاکمیت موفق باشند تا بتوانند در پُست‌ها و منصبهای مهم دولتی در آینده قرار گیرند. یکی دیگر از دلایلی که می‌توان بر حضور گسترده ساواک در نطنز و جذب افراد زیادی از این شهر در این سازمان بر شمرد، حضور یک نطنزی در میان افرادی است که برای دستگیری امام خمینی در سال ۱۳۴۲ به قم رفته بود. همین فرد بعد از پیروزی انقلاب با عفو از سوی امام خمینی روبه‌رو شد (مصاحبه با محمدرضا سالکی).

از دیگر فعالیتهای آنان حمایت از بهائیت بود. در نطنز یک خانواده بهایی در دهه‌های بیست و سی وارد این شهر شده بود و از طریق این خانواده آنان به دنبال تبلیغ فرقه بهائیت در نطنز بودند (مصاحبه با عباس علی دشتله). اقدام دیگر آنان تلاش در بی‌حجاب کردن دختران و زنان نطنزی بود. این نیروها با سنگ‌اندازی و مانع ایجاد کردن، تحصیل دختران با حجاب نطنزی را در مدارس با مشکل روبه‌رو می‌کردند؛ اما بنا به گفته سالکی آنان هرگز موفق نشدند حتی یک خانواده را در نطنز جذب این فرقه نمایند (مصاحبه با محمدرضا سالکی).

در موضوع حجاب نیز عباس علی دشتله یکی از فعالان انقلابی می‌گوید: «وقتی دیدند با ضرب و شتم موفق نمی‌شوند در نطنز چادر و روسری را از سر زن نطنزی بردارند، گفتند دختر شما می‌خواهد تحصیل کند از مدرسه ابتدایی تا راهنمایی باید بی‌حجاب باشد. مرحله به مرحله می‌آمدند جلو. از راهنمایی هم باید دختر و پسر با هم باشند. وقتی دیدند که مردم زیر بار نمی‌روند از راه‌های دیگر وارد می‌شدند. به یک شکلی عمل می‌کردند که به خواسته‌هایشان برسند» (مصاحبه با عباس علی دشتله) افزون بر همه اینها، شاخصترین حوزه فعالیت آنان، جلوگیری از هر گونه اقدام علیه حکومت و برگزاری جلسه‌های مذهبی بود. علی سالکی در این باب می‌گوید: «یک موقعیتی بود که کسی جرأت نمی‌کرد رساله امام را بیاورد. خیلی مشکلات داشتیم و فشار روی مردم زیاد بود. یک شعار می‌خواستیم بنویسم خیلی با دقت و این طرف و آن طرف را نگاه می‌کردیم تا بتوانیم بنویسیم. مراسمها مخفی برگزار می‌شد با این حال مأموران یک دفعه حمله می‌کردند به مراسم. ما چراغ را هنگام خواندن روضه که خاموش می‌کردیم در همان تاریکی روحانی واعظ را فرار می‌دادیم. مأموران فکر می‌کردند که بعد از مصیبت چراغ روشن می‌شود و می‌رویم دستگیرش می‌کنیم در حالی که ما در تاریکی فراری داده بودیم» (مصاحبه با علی سالکی).

۵ - ۵ - حوادث روزهای منتهی به پیروزی انقلاب

در بهمن ماه تظاهرات در نطنز سرعت گرفت. یکشنبه ۸ بهمن ۱۳۵۷، که ده‌ها نفر در تظاهرات سراسر کشور کشته شدند و عده‌ای در اعتراض به بسته شدن فرودگاه متحصن شدند، مردم نطنز نیز با تظاهرات خود همبستگی‌شان را با دیگر مردم ایران اعلام کردند (حسینیان، ۱۳۸۵: ۷۵۳). همزمان با ورود امام به کشور، تظاهرات در نطنز گسترش یافته بود (مصاحبه با علی اکبر باباخانی). پروین باباخانی درباره لحظه ورود امام به کشور و واکنش مردم نطنز به این واقعه تاریخی می‌گوید: «بعد

از ورود امام به کشور، اهالی نطنز همراه با بقیه مردم در خوشحالی که به وجود آمد سهیم بودند و من یادم می‌آید این لحظه تاریخی را در تلویزیون نگاه می‌کردیم و ذوق کرده بودیم که ناگهان برق قطع شد و مردم در بیشتر خانه‌ها تلویزیون را شکسته بودند از بس عصبانی شدند» (مصاحبه با پروین باباخانی). همزمان با اعلام ورود امام به کشور، چند اتوبوس از نطنز برای استقبال از ایشان راهی تهران شد (مصاحبه با علی سالکی). در همین حال عده‌ای از مبارزان انقلابی برای حضور در حماسه میلیونی مردم تهران به منظور عزیمت به آنجا آماده شده بودند که با مشورت با بزرگان تهران به آنها گفته شد، حضور شما در نطنز مهمتر است، بنابراین آنها در نطنز مانده و تظاهرات و راهپیمایی‌های این شهر را رهبری و هدایت کردند و به ادارات دولتی رفته و آنجا را اشغال کردند (مصاحبه با اکبر عبدالکریمی).

در روزهای منتهی به پیروزی انقلاب، تظاهرات مردم نطنز وسعت بیشتری گرفته بود. علی‌اکبر باباخانی درباره مسیر راهپیمایی آخرین روزهای منتهی به پیروزی انقلاب می‌گوید: «عمدتاً تظاهرات از حسینیه ارشاد علیا شروع می‌شد. بعد در حسینیه مرکز شهر هم قوت می‌گرفت و مردم حضور پیدا می‌کردند؛ بعد می‌آمدند داخل شهر و به سمت پمپ بنزین راهپیمایی می‌کردند» (مصاحبه با علی‌اکبر باباخانی).

برخی از مبارزان انقلابی نطنز به دلیل خشم و اندوهی که از عمال حکومت در منطقه داشتند و هم‌چنین با در نظر گرفتن رواج بی‌بند و باری و منافی عفت از سوی آنان در روزهای منتهی به پیروزی انقلاب سعی داشتند برخی مراکز وابسته به آنان را نابود کنند اما به دلیل مشورت با رهبران انقلاب در تهران از این عمل منصرف شدند (مصاحبه با اکبر عبدالکریمی).

مردم نطنز همواره سعی داشتند در تحولات انقلاب در تهران حضور داشته باشند و به یاری انقلابیون مرکز بشتابند. بنابراین نطنزیان همیشه رفت و آمد بسیاری به تهران داشتند که از میان آنان، برادران عبدالکریمی سرآمد بودند.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که در مقاله ارائه شد، ترکیبی از عوامل ساختاری سلبی (فقر نسبی و کمبود امکانات رفاهی)، عوامل کنش سلبی فرهنگی (تبلیغ بهائیت و بی‌حجابی) و امنیتی (حضور گسترده عوامل

ساواک) موجب نارضایتی مردم نطنز از حکومت پهلوی شده بود. نقش کنش در نطنز با رفت و آمدهای برخی از فعالان انقلابی به قم در پوشش کارهای تجاری، آشنایی با اهداف نهضت امام خمینی(ره) همزمان با قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ آغاز شد. مردم نطنز هم‌چنین افتخار داشتند که در قیام ۱۵ خرداد تهران یک شهید تقدیم نهضت امام خمینی(ره) بکنند. در این شهر فعالیت انقلابیون سخت و پیچیده بود؛ چرا که در این شهر دو عامل بر سختی‌های مبارزه می‌افزود: یکی وجود برخی از روحانیون درباری و همکاری آنان با عوامل حکومت و دوم وجود گسترده عناصر ساواکی در این شهر و کوشش آنان در جهت رواج ارزشها و الگوهای غربی حکومت پهلوی؛ با این همه، هسته اولیه نهضت در نیمه دهه ۱۳۴۰ شمسی از سوی عده‌ای از فعالان انقلابی در نطنز پایه‌گذاری شد. ابتدا جلسات خصوصی بود و در پوشش جلسات قرآن، اعلامیه‌ها و رساله امام خمینی(ره) تکثیر و خوانده می‌شد تا اینکه با علنی شدن تظاهراتها در سراسر کشور در این شهر نیز با محوریت چند مکان مقدس همچون مسجد سیدقاسم، حسینیه ارشاد علیا و امامزاده سلطان سیدمحمد و امامزاده آقا علی‌عباس و شاهزاده محمد، فعالیتها و تظاهراتها آشکار شد. مردم نطنز علاوه بر اینکه در شهر خود به مبارزه علیه حکومت پهلوی ادامه می‌دادند، نیروی انسانی و امکانات مادی همچون اسلحه و... نیز به تهران و کاشان و قم برای یاری رساندن به فعالان نهضت می‌فرستادند و این اقدام تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت.

منابع

الف) کتاب

- «اسناد: در وزارت دربار ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۴ و ۱۳۳۶ تا ۱۳۴۰، گزارشهای روزانه حسین علاء به محمدرضا پهلوی».
- معرف فرهاد رستم. فصلنامه تاریخ معاصر ایران. زمستان ۱۳۷۶. ش ۲.
- اسنادی از انتخابات مجلس در دوره رضا شاه (۱۳۸۴). به کوشش غلامرضا سلامی. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی.
- امام خمینی، روح‌اله (۱۳۷۸) صحیفه امام. ج ۳. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- امام خمینی، روح‌اله (۱۳۸۵)، ولایت فقیه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک شرح مبارزات مردم استان اصفهان (۱۳۸۳). کتاب دوم. تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.

- انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک (۱۳۸۴). کتاب نوزدهم. تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی.
- انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک شرح مبارزات مردم استان اصفهان (۱۳۸۳). کتاب سوم. تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- تقی‌زاده انصاری، بدر (۱۳۸۶). *نظنز دیروز و امروز*. کرج: مؤلف.
- توکلی، فائزه (۱۳۹۶). *تاریخ شفاهی، مباحث نظری، روش‌شناسی*. تهران: سوره مهر.
- حسینیان، روح‌الله (۱۳۸۵). *یکسال مبارزه برای سرنگونی رژیم شاه (بهمن ۱۳۵۶ تا بهمن ۱۳۵۷)*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- دانشنامه گیتاشناسی (۱۳۸۹). ج ۲. ترجمه و گردآوری عباس جعفری. تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۲). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. ترجمه هوشنگ ناییب. تهران: نی.
- شجیعی، زهرا (۱۳۷۲). *نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی ایران*. ج ۴. تهران: سخن.
- عباس‌زادگان، سیدمحمد (۱۳۷۱). *دانش‌آموزان در صحنه، نقش اجتماعی و سیاسی دانش‌آموزان در ایران*. تهران: انتشارات سیمای جوان.
- عزیزی، حشمت‌الله (۱۳۸۶). *تاریخ شفاهی ارتش در انقلاب اسلامی*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- گلدستون، ج (۱۳۹۲). *مطالعه تطبیقی و تاریخی در باب انقلابها*. تهران: کویر.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴). *مسائل محوری در نظریه اجتماعی کنش، ساختار و تناقض در تحلیل اجتماعی*. ترجمه محمد رضایی. تهران: سعادت.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). *سیاست، جامعه‌شناسی و نظریه اجتماعی*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۱). *جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نی.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی. دوره ۲۰. جلسه ۱۶.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی. دوره ۲۳. جلسه ۶.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی. دوره ۷۴. جلسه ۷۳.
- ناظم، رزا (۱۳۸۲). *تاریخ شفاهی گروه ابوذر*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۲). *تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران*. ج ۲. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- نجاری‌راد، تقی (۱۳۷۸). *ساواک و نقش آن در تحولات داخلی رژیم شاه*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- نراقی، حسن (۱۳۴۸). *آثار تاریخی شهرستانهای کاشان و نظنز*. تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.

ب) نشریات

روزنامه اطلاعات

نامه فرنگستان

ج) مصاحبه‌ها

باباخانی، پروین؛ نطنز، اردیبهشت ۱۳۹۶

باباخانی، علی اکبر؛ نطنز، اردیبهشت ۱۳۹۶

دستله، عباس علی؛ نطنز، اردیبهشت ۱۳۹۶

سالکی، علی؛ نطنز، اردیبهشت ۱۳۹۶

سالکی، محمدرضا؛ نطنز، اردیبهشت ۱۳۹۶

عبدالکریمی، اکبر؛ نطنز اردیبهشت ۱۳۹۶

مومنی، محمدعلی؛ نطنز اردیبهشت ۱۳۹۶

مشرابی بادی، علی؛ نطنز اردیبهشت ۱۳۹۶

د) اسناد

آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند شماره: ۰۰۰۶۶۲۴۱

